



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۳۰ / ذوالقعدة الحرام / ۱۴۴۵ هـ، ق موافق ۱۸ / جوزا / ۱۴۰۳ هـ، ش

## جامعیت و فوقیت مذهب حنفی در بین مذاهب

الحمد لله الذي هدانا إلى الملة الحنيفة السمحاء، وبين لنا طرق الشريعة بواسطة الأنبياء والعلماء والأصفياء، والصلاة والسلام على سيد الرسل وسند الأولياء وعلى آله وأصحابه نجوم الاقتداء والاهتداء، أما بعد:

قال الله تعالى: { وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ } التوبة: (۱۰۰)

الله جل جلاله تمام انسانهارا یک سان پیدا نکرده است، بعضی را نادان پیدا کرده، بعضی دیگر را علماء وفقهاء پیدا کرده است و بعضی دیگر در دین فضیلت و شأن بزرگ دارند.

همچنان سعی و تلاش انسانها هم یکسان نمی باشد، کارهای بعضی انسانان به مردم زیان آور است، اما از بعضی مردم دیگر کارهایشان خیرخواهی از برای تمام انسانها بخصوص از برای مسلمانها و برای فایده رساندن آنها میباشد، که در جمله آن کارها اجتهادات فقهاء و مجتهدین شامل است، که از برای نادان و بی علم برای فهماندن آنها زحماتی را متحمل شده اند بخاطر اینکه عبادت و معاملات اینها به طریقه درست و موافق به شریعت اداء شود؛ در این راه شب و روز در سخت ترین شرایط زندگی کوششها کردند و بخاطر آسایش اینها اجتهادات فقهی کردند و کتابها نوشتند تا اینکه امت اسلامی هدایت حاصل کنند و در راه مستقیم روان شوند و زندگی شان موافق شریعت عیار شوند؛ البته این یک امر طبیعی است که از بعضی مجتهدین خدمات بیشتر است و از بعضی دیگر کمتر و خدمات بعضی فقهاء نسبت به بعضی دیگر زیاد سودمند میباشد که در رأس این فقهاء و مجتهدین زحمات و خدمات فقهاء و مجتهدین مذهب حنفی قابل یاد آوری است که زیاد موثر و سودمند است، زیرا که اینها زحماتی کشیده اند و برای سعادت دنیوی و اخروی امت اسلامی اجتهادات و استنباطات فقهی کرده اند. و در میان ایشان گذاشتند و عمل کردن مردم را بدین آسان کردند.

مذهب حنفی که ماوشما پیروان او هستیم در بین سائر مذاهب خصوصیت های زیاد دارد که این خصوصیت ها و جامعیت و فوقیت در دیگر مذاهب دیده نمیشود.

میخواهم که امروز درباره جامعیت این مذهب و فوقیت آن بالای سائر مذاهب معلومات چندی به حضور شما تقدیم کنم.

در بین مذاهب مذهب حنفی جامعیت و فوقیت دارد، که بعضی دلائل و نمونه فوقیت و جامعیت این مذهب قرار ذیل است:

### ۱- مؤسس مذهب حنفی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله تابعی جلیل القدر بود:

جامعیت و فوقیت هر مذهب از مؤسس آن مذهب معلوم میشود، مذهب حنفی از این جهت نسبت به سائر مذاهب جامعیت و فوقیت دارد که مؤسس این مذهب تابعی جلیل القدر است، و کدام مذهبی که امام آن تابعی باشد حتماً آن مذهب از هر لحاظ غنی، جامع و مذهب برتر میباشد.

مؤسس مذهب حنفی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله تابعی جلیل القدر بود، در وقت او هفت صحابه کرام زنده بودند.

مؤرخین معتبر مانند: ابن خلکان، صیمری و خطیب بغدادی میگویند: که در وقت او (۷) صحابه کرام زنده بودند و امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله حضرت انس ابن مالک رضی الله عنه را دیده است و از او روایت هم نقل کرده است.

در زمان امام اعظم رحمه الله این اصحاب کرام زنده بودند: انس ابن مالک، عبد الله بن انس، عبد الله بن الحارث بن جزء الزبیدی، عبد الله بن ابی اوفی، جابر بن عبد الله الأنصاری، واثله بن الأسقع، وعائشة بنت عجرد رضی الله عنهم [مغانی الأخیار فی شرح أسامی رجال معانی الآثار للعینی (۳/ ۱۲۲)].

امام صیمری، حافظ ابن مزی و حافظ ابن کثیر و دیگر مؤرخین مینویسند که امام ابو حنیفه رحمه الله در سن شانزده سالگی در سال (۹۶) هجری حضرت انس ابن مالک رضی الله عنه را دیده است و امام صیمری میگوید که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله از حضرت انس ابن مالک رضی الله عنه این دو حدیث را نقل کرده است: (... فَسَمِعْتَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَفَقَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ). [مغانی الأخیار للعینی (۳/ ۱۲۲)]

ترجمه:- من از انس ابن مالک رضی الله عنه شنیدم که گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که اینطور فرمودند: کسیکه در دین الله دانش حاصل میکند، الله تعالی کافی میشود از برای آرزوهای او و روزی میدهد او را از آنجائیکه گمان نکند.

در یک روایت دیگر امام صیمری میگوید: عَنْ بَشْرِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي يُوسُفَ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعُهُ وَاللَّهُ يَحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ). أخبار أبي حنيفة وأصحابه للصيمري الشافعي (ص: ۱۷-۱۸)

در یک روایت دیگر آمده امام ابو یوسف رحمه الله میگوید که امام ابوحنیفه رحمه الله میفرماید: که من از انس ابن مالک رضی الله عنه

این احادیث را هم شنیده ام: (وروی عن ابی یوسف أنه قال: قال أبو حنيفة: سمعت أنس بن مالك يقول: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: (طلب العلم فريضة على كل مسلم). مغانی الأخیار فی شرح أسامی رجال معانی الآثار (۳/ ۱۲۳))

ترجمه:- طلب علم بالای هر مسلمان فرض است.

در یک روایت دیگر آمده است که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله از حضرت عبدالله بن انیس رضي الله عنه هم یک حدیث را شنیده است.

در روایت ابو داود طیالسی آمده است: وعن أبي داود الطيالسي، عن أبي حنيفة، قال: ولدت سنة ثمانين، وقدم عبد الله بن أنيس الكوفة سنة أربع وتسعين، ورأيت وسمعت منه وأنا ابن أربع عشرة سنة يقول: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: (حبك للشيء يعمى ويصم). مغاني الأخبار للعيني (٣/ ١٢٢)

ترجمه:- از امام ابو حنیفه رحمه الله روایت است که من در سال (۸۰) هجری تولد شده ام و حضرت عبد الله ابن انیس در سال (۹۴) هجری به کوفه آمده بود و من او را دیدم و از او شنیدم. و من در آن وقت چهارده ساله بودم من از حضرت عبد الله ابن انیس شنیدم که اینطور فرمودند: محبت تو به یک شی کوری و کوری را به بار می آورد.

امام بدرالدین عینی میگوید: حضرت انس بن مالک رضي الله در بصره آخرین صحابی بود که در (۹۱ یا ۹۲ یا ۹۳) وفات شده است؛ و در این وقت عمر امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله (۱۱ یا ۱۲ یا ۱۳) ساله بود. و حضرت عبدالله بن الحارث بن جزء رضي الله عنه آخرین صحابی بود که در (۸۸) هجری وفات شد. و امام اعظم رحمه الله در این وقت (۸) ساله بود و حضرت عبدالله ابن ابی اوفاء در کوفه آخرین صحابی بود که در سال (۸۷) هجری وفات شد. که امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله در این وقت هفت ساله بود.

و حضرت واثله بن الأسقع در دمشق که در سال (۸۵ یا ۸۶) هجری وفات شد و امام اعظم رحمه الله در این وقت (۶ یا ۷) ساله بود. مغاني الأخبار في شرح أسامي رجال معاني الآثار للعيني (٣/ ١٢٤)

این یک سخن واضح است که مذهب حنفی در خیر القرون در طبقه دوم در زمان تابعین بوجود آمده است و مؤسس این مذهب به زمانه نبی علیه الصلاة والسلام نسبت به سایر مذاهب نزدیک بود، این دلیل بزرگی بر فوقیت این مذهب بالای سایر مذاهب است.

و این دلیل جامعیت مذهب حنفی هم است زیرا که از اکابر صحابه کرام فقه را نقل کرده است.

## ۲- مذهب حنفی در حقیقت ترتیب و تدوین فقه و فتاوی صحابه کرام است:

استادان مؤسس مذهب حنفی امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله اکثراً کسانی بودند که فقه را از حضرت عمر رضي الله عنه ، علي بن ابي طالب رضي الله عنه ، عبدالله بن مسعود رضي الله عنه ، عبدالله بن عباس رضي الله عنه او زید بن ثابت رضي الله عنهم آموخته بودند، مانند: نافع مولى ابن عمر ، زید بن علی بن الحسین ، زید بن أسلم مولى عمر بن الخطاب ، جعفر بن محمد الصادق ، محمد بن المنکدر ، هشام بن عروة ، ابراهیم نخعی ، طاؤس بن کیسان ، عامر الشعبي ، عبد الله بن دینار ، عطاء بن أبی رباح ، عطاء بن السائب ، عکرمة مولى ابن عباس ، علقمة بن مرثد ، عمرو بن دینار ، عون بن عبد الله بن عقبه بن مسعود ، عبد الله بن الحسن ابن الحسين بن علی بن أبی طالب ، عبد الله بن أبی نجیح ، عبد الله ابن نافع

مولی ابن عمر، عبد الله بن حمید بن عبید الأنصاری، عبد الله بن سعید المقبری رحمهم الله تعالی عنهم جميعاً فقه وفتاوی صحابه کرام از طریق اینها امام ابوحنیفه رحمه الله و دیگر شاگردان او آموخته اند که از این اکابر تابعین دیگر امامان مذاهب اخذ نصیب ایشان نشده است، مگر تنها امام مالک از بعضی آنها اخذ کرده است و این دلیل قطعی از برای این سخن است که مذهب حنفی در حقیقت بعد از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم از فتاوی فقهی مجتهدین صحابه کرام ترتیب شده است.

از این به وضاحت معلوم میشود که این صحابه کرام نسبت به دیگر اصحاب زیاد فقیه و دانا بودند، زیرا که در بین صحابه کرام فقهاء و غیر فقهاء موجود بود؛ پس مذهب حنفی آن مذهبی است که مسائل این مذهب به فقه فقهی صحابه کرام استوار است.

امام مسروق که شاگرد صحابه کرام بود میگوید: عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ: شَامَمْتُ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَوَجَدْتُ عِلْمَهُمْ أَنْتَهَى إِلَى سِتَّةٍ: إِلَى عُمَرَ وَعَلِيٍّ وَعَبْدِ اللَّهِ وَمُعَاذٍ وَأَبِي الدَّرْدَاءِ وَزَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ. فَشَامَمْتُ هَؤُلَاءِ السِّتَّةِ فَوَجَدْتُ عِلْمَهُمْ أَنْتَهَى إِلَى عَلِيٍّ وَعَبْدِ اللَّهِ. الطبقات الكبرى ط العلمية (٢/ ٢٦٧)

ترجمه:- امام مسروق رحمه الله میگوید: من معلومات کردم در اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم، این سخن را پیدا کردم که علم و دانش همه صحابه کرام در شش نفر جمع شده است: در عمر رضی الله عنه، در عبدالله بن مسعود رضی الله عنه، در معاذ بن جبل رضی الله عنه، در ابودرداء رضی الله عنه در زید بن ثابت رضی الله عنه. سپس در باره این شش نفر معلومات کردم این سخن را پیدا کردم که علم و دانش این شش نفر در حضرت علی رضی الله عنه و عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه جمع شده است.

مقصد از این مطلب این است که مذهب حنفی در جامعیت و تفوق خود ماندنی ندارد؛ زیرا که این مذهب بر فقه و فتاوی کسانی استوار است که علم اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را جمع آوری کرده بودند و به آنها ختم شده بود.

ابو بکر خطیب بغدادی در تاریخ خود ذکر کرده است: (قال أبو حنيفة: دخلت على أبي جعفر أمير المؤمنين فقال لي يا أبا حنيفة ممن أخذت العلم؟ قال: قلت عن حماد عن إبراهيم عن عمر بن الخطاب، وعلي بن أبي طالب، وعبد الله بن مسعود، وعبد الله بن عباس، قال: فقال أبو جعفر بخ بخ استوثقت ما شئت يا أبا حنيفة الطيبين الطاهرين المباركين صلوات الله عليهم). تاریخ بغداد و ذبوله ط العلمية (١٣/ ٣٣٤-٣٣٥)

ترجمه:- امام ابوحنیفه رحمه الله میگوید: من یکبار به نزد امیر المؤمنین ابوجعفر المنصور رفتم و او برایم گفت: ای ابوحنیفه! علم را از کی آموخته ای؟ من برای او گفتم از حماد و او از ابراهیم نخعی و او از عمر ابن الخطاب و حضرت

علی ابن ابی طالب و عبد الله ابن مسعود و عبد الله ابن عباس رضی الله عنهم آموخته اند. ابو جعفر گفت: بخ، ای ابو حنیفه محکم کرده ای علم را هر اندازه که خوش داشتی، از مردمان مبارک درود الله بر آنها باد.

از همین جهت فقهای کرام در باره فوقیت و جامعیت مذهب حنفی میگویند: (قال خلف بن ایوب: صار العلم من الله تَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ صار إلى أصحابه، ثم صار إلى التابعين، ثم صار إلى أبي حنيفة وأصحابه فمن شاء فليرض، ومن شاء فليسخط). تاریخ بغداد و ذیوله ط العلمیه (۱۳/ ۳۳۶)

ترجمه:- خلف بن ایوب رحمه الله میگوید: علم از جانب الله جل جلاله به حضرت محمد صلی الله علیه و سلم داده شده است، سپس از او به اصحاب کرام داده شده است، سپس به تابعین داده ، سپس به امام ابوحنیفه و به اصحاب او داده شده است، پس کسیکه خوش است خورسند شود و کسیکه خوش نیست غمگین شود.

ضرب المثل است (والفضل ما شهدت به الأعداء) فضیلت آن است که دشمنان بر آن اعتراف بکنند. این روایات را از خطیب بغدادی که مؤرخ سر سخت مذهب حنفی است نقل کرده است؛ تا اینکه مردم به این بدانند و یا آگاه شوند که دشمنان هم به جامعیت و فوقیت مذهب حنفی اعتراف کرده اند.

### ۳- مذهب حنفی بار اول به طور شورائی و اجتماعی به شکل ابواب و کتابها تدوین شد:

مذهب حنفی نسبت به سائر مذاهب فوقیت و جامعیت دارد؛ زیرا که مسائل این مذهب از طرف مجتهدین به شکل شورائی و مباحثوی ترتیب و تدوین شده است که به فوقیت و جامعیت این مذهب دلالت میکند.

بعد از صحابه کرام مذهبی که مسائل فقهی آن برای اولین بار به شکل ابواب و کتابها تدوین شد مذهب حنفی است و این خصوصیت و فوقیت تنها به مذهب حنفی حاصل است.

شهر کوفه را که حضرت عمر رضی الله عنه آباد کرده بود، در کوفه بسیار زیاد صحابه کرام و فقهای تابعین سکونت میکردند مانند: امام علقمه بن قیس نخعی ، امام ابراهیم بن یزید نخعی ، امام اسود بن یزید نخعی ، امام مسروق بن الاجدع که این همه از صحابه کرام احادیث و فقه را روایت کرده اند و علاوه بر اینها در کوفه امامان لغت عربی، و امامان علم قرائت موجود بودند، امامان نحو، صرف و بلاغت هم موجود بودند و مؤرخین هم وجود داشتند؛ علاوه بر علوم شرعی علوم فلسفی و ساینسی و دانشمندان علم الجدل موجود بود، علاوه بر این در کوفه پیروان ادیان هم موجود بودند. امام ابن سیرین رحمه الله میفرماید: (أُتيت الكوفة، فرأيت فيها أربعة آلاف يطلبون الحديث، وأربعمائة قد فقهوا). [المحدث الفاصل للرامهرمزي (ص: ۳۷۲)

ترجمه:- من به کوفه آمدم و در کوفه چهار هزار مردم را دیدم که همه احادیث را یاد میکردند تا چهارصد نفر علمای موجود بودند که فقهاء بودند.

بعضی مؤرخین نوشته اند که در کوفه (+۳۰۰) نفر صحابه کرام موجود بود. الفکر السامی فی تاریخ الفقه الاسلامی.

در شهریکه مرکز علماء و فقهائى مختلف بود، در شهریکه مدرسه فقهى و اجتهادى امام ابو حنیفه موجود بود و در این مدرسه شاگردان او هم موجود بودند و علاوه از شاگردان امام صاحب دیگر مجتهدین رسیده هم به این حلقه علمى مى رفتند و به نظریات و اجتهادات او گوش فرا میدادند و گاهگاهی با او مباحثه هم میکردند.

در چنین فضای آزاد امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله از برای تدوین فقهى مذهب حنفى کمیته و مجموعه چهل نفرى را تأسیس کرد که مشتمل به مفسرین، محدثین، لغویین و مؤرخین بودند؛ تا اینکه مسائل، احکام و موضوعات فقهى را از هر جهت بررسی کنند و بعد از مناقشه و مباحثه شکل و حکم مسائل نهائى را تدوین کنند؛ که از این فوقیت و جامعیت مذهب حنفى نسبت به سائر مذاهب معلوم میشود، زیرا که دیگر مذاهب تنها نظریات و اجتهادات امام همان مذهب است که فقها، مفسرین، لغویین و اصولیین بر آن بحث نکرده اند و تنها نظریه یک امام است.

در این مجموعه فقهى مانند: امام ابویوسف رحمه الله که در احادیث و مغازى امام بود، امام محمد بن الحسن شیبانى که در لغت امام بزرگ بود و امام زفر ابن هذیل که در قیاس ماهر بود چنین فقهاء در این کمیته عضویت داشتند، که هر یکى فقیه مستقل و امام بود.

و امام اعظم رحمه الله شخصى بود که در تاریخ اسلام برای اولین بار برای تحقیق، تدقیق و تدوین فقهى از علما و فقهائى برجسته آن وقت کمیسیون علمى و فقهى چهل نفرى را تأسیس کرد و خود وی این کمیته فقهى را رهبرى میکرد.

امام اسد بن فرات رحمه الله میگوید: (كَانَ أَصْحَابُ أَبِي حَنِيفَةَ الَّذِينَ دُونُوا الْكُتُبَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَكَانَ فِي الْعَشْرَةِ الْمُتَقَدِّمِينَ أَبُو يُوسُفَ وَزُفَرٌ وَدَاوُدُ الطَّائِيَّ وَأَسَدُ بْنُ عَمْرٍو ، وَيُوسُفُ بْنُ خَالِدِ السَّمْتِيَّ وَيَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنِ أَبِي زَائِدَةَ وَهُوَ الَّذِي كَانَ يَكْتُبُهَا لَهُمْ ثَلَاثِينَ سَنَةً). الجواهر المضیة فی طبقات الحنفیة (۱/ ۱۴۰)

ترجمه:- رفقای امام ابوحنیفه کسانی که کتابهای فقهى را تدوین میکردند چهل نفر بودند، که ده نفر پیشگام آن ابو یوسف، زفر، داؤد طائی، اسد بن عمرو، یوسف بن خالد سمتی، یحیی بن زکریا بن ابى زائده شامل بودند، یحیی بن زائده کسی بود که از برای احناف تا سی سال نوشته میکرد. امام عینی رحمه الله بر آنها سه نفر دیگر را زیاد کرده است: عافیة القاضی، مندل بن علی، حبان بن علی. مغانی الأخیار (۳/ ۲۰۶)

این کار کرد های امام ابوحنیفه رحمه الله دلیل این سخن است که مذهب حنفى را نسبت به سائر مذاهب جامعیت و فوقیت حاصل است؛

زیرا که این مذهب برای تدوین مذهب شورا را ایجاد کرده است و مانند سائر مذاهب امام ابوحنیفه به تنهائى خود آنرا تدوین نکرده است بلکه اساس این مذهب به مشوره، مباحثه و مناقشه استوار است و امام ابوحنیفه رحمه الله با اصحاب و مجتهدین خود به هر یک مسئله مشوره میکرد و دلایل آنها را میشنید و در آن فکرمیکرد و دلایل خود را هم به آنها میگفت و با آنها مناظره میکرد تا اینکه به ثواب برسد، از بسیار اقوال یک قول را بهتر میدانست و آنرا در کتاب مى نوشت.

در باره طرز العمل این کمیته و منهج امام ابوحنیفه امام ابویوسف اینطور میگوید: (کان أبو حنیفة إذا وردت علیه المسألة قال: ما عندکم فیها من الآثار، فإذا روینا الآثار، وذكرنا، وذكر هو ما عنده، نظر فإن كانت الآثار فی أحد القولین أكثر أخذ بالأكثر، فإذا تقاربت، وتکافأت؟ نظر فاختار). المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية/ علی جمعة محمد عبد الوهاب (ص: ۹۰)

به امام ابوحنیفه رحمه الله کدام مسئله که آورده میشد او میگفت: آن احادیثی در این ارتباط نزد شما است آنرا بیاورید و قتیکه ما آثار را ذکر و بیان میگردیم و او هم چیزی را ذکر میکردند که به نزد او بود، سپس می دیدند که در این دو اقوال در کدام آن آثار بیشتر است به آن عمل میکردند، و قتیکه این آثار به هم نزدیک و یا برابر می بود فکر میکردند واز بین آنها یکی را اختیار میکردند.

در روایت دیگر آمده است: اسد ابن فرات میگوید که برایم اسد ابن عمرو گفت: (کانوا یختلفون عند أبي حنیفة فی جواب المسألة فیأتي هذا بجواب، وهذا بجواب، ثم یرفعونها إلیه، ویسألونه عنها، فیأتي الجواب من کتب - أي من قرب - وکانوا یقیمون فی المسألة ثلاثة أيام ثم یکتبونها فی دیوان). المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية/ علی جمعة محمد عبد الوهاب (ص: ۹۰)

ترجمه:- اصحاب امام ابوحنیفه رحمه الله بعضی اوقات در جواب یک مسئله اختلاف کردند، یکی یک جواب را می آورد و دیگری جواب دیگری را می آورد ، سپس این جواب هارا به امام ابوحنیفه رحمه الله پیش میکردند واز او در باره این جواب ها می پرسیدند؛ پس جواب درست می آمد و ایشان بعضی اوقات به یک مسئله سه روز را سپری میکردند بعداً آنرا به دیوان (کتاب) مینوشتند.

بعضی مردم میگویند که امام ابوحنیفه رحمه الله در فقه (۶۰) شصت هزار مسائل را وضع کرده و در روایت دیگری آمده است که امام ابوحنیفه رحمه (۳۰۰۰۰۰) سه صد هزار مسائل را وضع کرده است. [الفکر السامی فی تاریخ الفقه الاسلامی ۴۱۹/۱]

#### ۴- جامعیت و فوقیت مذهب حنفی فقه تقدیری این مذهب است:

این یک حقیقت واضح است که تمام مسائل، نوازل و جزئیات واقع شونده در قرآن کریم و احادیث صحیحه صراحتاً ذکر نیست؛ بلکه حکم مسائل و نوازل واقع شونده را فقهای کرام از کتاب الله و از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم و فتاوی صحابه کرام استنباط میکنند.

مذهب حنفی از این جهت نسبت به سائر مذاهب جامعیت و فوقیت دارد که مذهب حنفی فقه تقدیری را دارا میباشد. و دیگر مذاهب این فضیلت را ندارد فقه تقدیری و فرضی این را گفته میشود که از برای آن مسائل و نوازل پیش از پیش حکم بیان شده باشد که تا هنوز واقع نشده است. و قتیکه واقع شود جواب آن قبلاً در کتابها موجود است.

در مذهب حنفی موجودیت فقه تقدیری و فرضی از جمله خصوصیات این مذهب است، از همین جهت است که در کتب فقه از هر مسئله مسبق جواب موجود است و فقهای کرام بر این امت شفقت کرده اند و این زحمت را متقبل شده اند که مسائل واقع شونده و حل آنرا ذکر کرده اند که این کار به وسعت و جامعیت فقه حنفی دلالت میکند.

در باره فائده فقه تقدیری یک بار امام ابوحنیفه رحمه الله از امام قتاده رحمه الله در باره یک مسئله پرسید: (قال قتادة: والله الذي لا إله إلا هو، ما يسألني اليوم أحد عن الحلال والحرام إلا أجبتة، فقام إليه أبو حنيفة، فقال: يا أبا الخطاب، ما تقول في رجل غاب عن أهله أعواماً، فظنت امرأته أن زوجها مات، فتزوجت، ثم رجع زوجها الأول، ما تقول في صداقها؟...)

فقال قتادة: ويحك، أوقعت هذه المسألة؟ قال: لا، قال: فلم تسألني عما لم يقع؟ فقال أبو حنيفة: إنا نستعد للبلاء قبل نزوله، فإذا ما وقع عرفنا الدخول فيه والخروج منه) تاریخ بغداد ت بشار (۱۵/ ۴۷۷)

ترجمه:- امام قتاده رحمه الله گفت: قسم به آن خدائیکه بغیر از آن دیگر الله نیست، امروز از من کسی در باره حلال و حرام سوال نمیکند مگر اینکه من برای او جواب میدهم. امام ابوحنیفه رحمه الله به او بلند شد و گفت: ای ابوخطابه! تو چه میگوئی در باره آن مردیکه چند سال از خانم خود غایب شد، وزن او گمان کرد که شوهر او وفات شده است؛ و آن زن با مرد دیگری نکاح کرد، بعداً شوهر اولی او آمد، تو درباره مهر این زن چه میگوئی؟

امام قتاده رحمه الله در جواب گفت: هلاک شوی آیا این مسئله واقع شده است؟ امام ابوحنیفه رحمه الله گفت: نخیر! واقع نشده است. قتاده رحمه الله برایش گفت: تواز من در باره مسئله سوال میکنی که آن واقع نشده است؟ امام ابوحنیفه رحمه الله برای او فرمود:

ما برای بلا و مصیبت خود را آماده میکنیم قبل از اینکه بلا واقع شود و قتیکه بلا واقع شود ما باز طریقه داخل شدن در بلا و خارج شدن از بلارا یاد کرده باشیم.

در شرایط فعلی در جهان اسلام مفتی های زیادی از مسائل تقدیری فقهی مذهب حنفی زیاد استفاده میکنند و از آن منفعت میگیرند.

## ۵- توسع در قیاس و استحسان دلیل جامعیت و فوقیت مذهب حنفی است:

قبل از دین مقدس اسلام بغداد و کوفه مرکز ادیان مختلف و مذاهب غیر اسلامی بود. و قتیکه بغداد جز حکومت اسلامی قرار گرفت و تعلیمات اسلامی در آن رشد کرد و کوفه و بصره مرکز دینی و اسلامی شد، باز هم به لباس اسلام در عراق صاحبان مفکوره های انحرافی موجود بودند و بر عقاید و احکام اسلامی گاهگاهی اعتراض ها و سوال هارا سر میدادند. به عراق مانند حجاز تمام احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم و فتوای صحابه کرام نرسیده بود، همچنان در زمان امام ابوحنیفه رحمه الله در احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم وضع و دروغ گفتن در عراق رائج شده بود. بعضی مردم از خود احادیث جور میکردند.



واز طرف دیگر عراق زمین تمدن و ادیان بود، و به فقها قسماقسام موضوعات می آمد که مجتهدین وفقهای مکه مکرمه ومدینه منوره که از آن مسائل وجوابهای آن خبر نمی شدند.

این هرچیز بخاطر این شد که امام ابوحنیفه رحمه الله من حیث فقیه عراق در دلائل فقهی خود توسع بیاورد تا اینکه جواب سوال هر کس در آن پیدا شود و عام مردم که در زندگی روزمره خود به مشکلات مواجه اند از برای معاملات آنها توجیه شرعی ودینی پیدا شود.

بناءً امام ابوحنیفه رحمه الله قیاس واستحسان را در اصول فقهی خود زیاد استعمال کرده و بنا بر ضرورت در قیاس واستحسان توسع بیشتر را ایجاد کرد که در دیگر مذاهب نبود وفقهای کرام از این طریق میتوانند مشکلات موجوده مردم را حل کنند. که این به جامعیت وفوقیت مذهب حنفی دلالت میکند.

البته توسع در قیاس واستحسان توان و کار هر کس نیست؛ این کار آن فقهای است که در فطانت وزکات خود به درجه انتها رسیده اند.

بلی! در مذهب حنفی حدیث ضعیف نسبت به قیاس بهتر است، و اگر در مسئله حدیث ضعیف وجود نداشته باشد رجوع کردن به قیاس واستحسان از جمله اعذار مجتهد است.

به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله اصول فقهی هفت است: الكتاب، السنة، أقوال الصحابة، الإجماع، القیاس، الاستحسان، العرف؛

در مذهب حنفی در قیاس واستحسان توسع موجود است بخاطر اینکه در قیاس واستحسان مصالح العباد زیاد است ومسائل امت بدون جواب باقی نمی ماند ودیگر اینکه در استحسان سهولت وآسانی است واحکام شریعت هم به آسانی بنا اند. که این خصوصیت در دیگر مذاهب اندکی است و یا اینکه هیچ موجود نیست مانند: مذهب شافعی.

امام ابوحنیفه اصول فقهی خود را اینطور بیان کرده است: من اول به کتاب الله عمل میکنم و اگر من در کتاب الله دلیل یک موضوع را پیدا نکردم دلیل آن موضوع را در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جستجو میکنم؛ و از راویان ثقه و روایات صحیح عمل میکنم. اگر دلیل موضوع را در کتاب الله وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیدا نکردم

باز به اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم رجوع میکنم، نظر بعضی صحابه را میگیرم ونظر بعضی را ترک میکنم واز نظر اینها بیرون نمی شوم. وقتیکه سخن به امام ابراهیم نخعی و شعبی و حسن بصری و ابن سیرین و سعید بن مسیب برسد آنها اجتهاد کردند ومن هم اجتهاد میکنم طوریکه آنها اجتهاد میکنند. [أخبار أبي حنيفة للصيمري]

امام موفق مکی میگوید: اخذ به کلام امام ابوحنیفه رحمه الله ثقه وفرار از قبح است ومعاملات مردم را در نظر گرفتن است. و چیزی را در نظر گرفتن است که مردم به آن ایستاده اند، و راهکار آنها برآن استوار است کارها بواسطه استحسان پیش برده میشود تا اینکه کار درست شود وقتیکه کارها به استحسان درست نشود سپس مجتهد رجوع میکند به آنچه که مردم به آن تعامل دارند. المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية على جمعة محمد عبد الوهاب (ص: ۹۲)

بعضی مردم که اکثراً حنبلی اند مذهب حنفی را براین مشهور کرده اند که مذهب حنفی برخلاف احادیث ایستاده است.

امام ذهبی مینویسد: (رَوَى نُوحُ الْجَامِعُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا حَنِيفَةَ يَقُولُ: مَا جَاءَ عَنِ الرَّسُولِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَعَلَى الرَّأْسِ وَالْعَيْنِ...)

وَقَالَ وَكَيْعٌ: سَمِعْتُ أَبَا حَنِيفَةَ يَقُولُ: الْبَوْلُ فِي الْمَسْجِدِ أَحْسَنُ مِنْ بَعْضِ الْقِيَاسِ.

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ بَنُ حَزْمٍ: جَمِيعُ الْحَنْفِيَّةِ مُجْمَعُونَ عَلَى أَنَّ مَذْهَبَ أَبِي حَنِيفَةَ أَنَّ ضَعِيفَ الْحَدِيثِ أَوْلَى عِنْدَهُ مِنَ الْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ).

تاریخ الإسلام للذهبی ت بشار (۳ / ۹۹۴)، الوافی بالوفیات للصفدی (۷ / ۳۵۱)

ترجمه:- روح الجامع روایت میکند که از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیده است که او میگفت: چیزی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم بیاید آنرا به سر و چشم خود قبول میکنم... وکیع ابن جراح میگوید: من از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیده ام که در مسجد بول کردن بهتر است از بعضی قیاس. امام ابن حزم میگوید: تمام احناف بر این اجماع دارند که مذهب امام ابوحنیفه این بود که حدیث ضعیف به نزد او اولی بود نسبت به قیاس و رای. در مذهب حنفی مانند سایر اصول از برای احادیث آحاد شرایط خاصی دارد که این هم به جامعیت و تفوق این مذهب دلالت میکند.

**۶- (المخارج من المضایق) از سختی هابیرون کردن و در راه و روش توسع دلیل خصوصیت، جامعیت و فوقیت مذهب حنفی است.**

احکام شرعی از برای مصالح العباد و دفع مضار آمده است؛ بناءً المخارج عن المضائق راه بیرون رفت از سختی ها شرعاً جائز است.

اگر کسی در کدام مسئله سخت دینی و شرعی گرفتار شود و به مشکل قرار گیرد و نمی داند که چگونه به طریقه شرعی و جائز از این موضوع بیرون شود؟ یا اینکه یک کسی میخواهد به یک کار مباح و جائز به طریقه حلال از راه مشروع دسترسی پیدا کند، بدون اینکه گنهکار شود و یا در حرام واقع شود، از خصوصیت جامعیت و فوقیت مذهب حنفی این است که فقهای حنفی در همچون حالات به مسلمانها راه شرعی را نشان بدهند بدون اینکه آن شخص گنهکار شود و یا مرتکب حرام شود و یا حق کسی دیگر ضایع شود. تا اینکه آن شخص از مشکل بیرون شود که این کار دلالت به زکات و فطانت فقهای مذهب حنفی میکند که در این باره فقهای حنفی صورت های بیشماری را در کتاب های خود ذکر کرده اند و امام خصاف رحمه الله در این باره کتاب مستقلی بنام (کتاب الحیل) نوشته کرده است؛ که این هم به جامعیت و فوقیت مذهب حنفی دلالت میکند.

دیگر اینکه فقه حیل به دانش و فقاہت زیاد ضرورت دارد و هر کسی نمی تواند که در این فن نوشته کند و یا از برای سهولت و آسانی عوام الناس آنرا استعمال کند، تنها مذهب حنفی است که در این فن توسع آورده است که این دلیل جامعیت و فوقیت مذهب حنفی است. مانند: شرایط فعلی که اکثر اصول بانکداری اسلامی از مذهب حنفی (مخارج المضایق) گرفته شده است.

## ۷- اکثر مسائل واحکام مذهب حنفی جامع وشامل است وبرای عمل کردن مردم آسان است:

مذاهب فقهی بخاطر این بوجود آمده اند که کتاب الله وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را به مردم تشریح، توضیح و خلاصه کنند.

در کدام مسائلی که در کتاب الله وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم صریحی نباشد حکم آن مسائل را از منابع شرعی استخراج واستنباط میکنند. تا اینکه برای عام مسلمانان عمل کردن به دین آسان شود، زیرا دین آسان است ومشقت در آن نیست.

مذهب حنفی از این جهت فوقیت دارد که اگر مسائل واحکام مذهب حنفی با سائر مذاهب مقارنه ومقایسه شود مسائل مذهب حنفی به نسبت مسائل سائر مذاهب آسان، عام فهم وزیاد است. به طور مثال: نیت در وضو نه شرط است ونه فرض، اما به نزد موالک وشوافع نیت در وضو فرض است وبه نزد حنابله نیت در وضو شرط است.

در مذهب حنفی فرائض نماز شش است وبه مذهب شافعی سیزده است ودر مذهب مالکی وحنبلی چهارده است. در مذهب حنفی درحج دو رکن است، وقوف در عرفات وطواف زیارت. اما به نزد مالکی ها وحنابله ارکان حج چهار است وبه نزد شوافع ارکان حج پنج است. [الفقه الاسلامی وادلته]

همچنان درحج شرایط طواف به مذهب حنفی چهار است ودر مذهب مالکی (۷) است وبه مذهب شافعی (۸) است وبه نزد حنابله (۱۴) است. درطواف پاک بودن ازبی وضوئی، حیض ونفاس فرض وشرط نیست بلکه واجب است ودر سائر مذاهب در طواف طهارت شرط است. درمذهب حنفی زن عاقل وبالغ میتواند بدون ولی نکاح کند. اما شوافع وحنابله میگویند که نکاح زن بدون اجازه ولی صحیح نیست، درمذهب حنفی در احوال شخصی شهادت یک مرد ودو زن درست است، اما در دیگر مذاهب شهادت دو مرد عادل شرط است. در مذهب حنفی اگر مرد وزن یکی احرام داشته باشد ونکاح کنند این عقد درست است؛ اما مذاهب سه گانه دیگر میگویند که این چنین عقد صحت ندارد. در مذهب حنفی سقط حمل به اثر عذر تا یک صد وبیست روز جائز است اما امام مالک وامام شافعی میگویند: بعد از چهل روز سقط جواز ندارد.

در مذهب حنفی بالای آن مسافریکه اندازه سفر او چهارده روز باشد نماز جمعه بالای وی نیست اما در نزد مذاهب سه گانه از چهار روز بیشتر نماز جمعه بالای مسافر واجب است، در مذهب حنفی نماز جمعه را سه نفر هم میتوانند اداء کنند اما در مذهب مالکی در نماز جمعه دوازده نفر ودر مذهب شافعی وحنبلی موجودیت چهل نفر لازمی است.

در مذهب حنفی لمس کردن منکوحه وضو را نمی شکند اما در مذهب شافعی وحنبلی لمس زن وضو را نقض میکند، در مذهب حنفی تارک نماز فرض به اثر تنبلی فاسق است؛ تارک الصلاة باید بندی ولت وکوب شود تا اینکه توبه کند ویا در زندان بمیرد، اما مذاهب سه گانه میگویند: که تارک نماز بدون عذر اگر چه یک نماز را هم ترک کند مانند مرتد از وی طلب توبه شود اگر توبه نکرد پس کشته شود. حنابله میگویند: بنا برکفر کشته میشود موالک وشوافع میگویند: به اثر اقامه حدکشته میشود نه بخاطر کفر.

درمذهب حنفی دیت به اهل قاتل واجب نیست اما مذاهب سه گانه میگویند که دیت به اهل قاتل هم واجب است. درمذهب حنفی در حدود علاوه از شلاق زدن تغریب (جلا وطن کردن) جواز ندارد اما مذاهب دیگر علاوه از دره زدن به تغریب (جلاوطن) قایل اند.

اگر در آسانی و سهولت مذهب حنفی و دیگر مذاهب مقارنه صورت گیرد چندین جلد کتابها از آن پر خواهد شد.

در مذهب حنفی در جوار مسائل مقاصد الشریعت مصالح العباد هم در نظر گرفته شده است که به جامعیت و فوقیت این مذهب دلالت میکند.

#### **۸- آن اساسات و خصوصیات مذهب حنفی که به جامعیت و فوقیت این مذهب دلالت میکند:**

مذهب حنفی بعضی اساسات و خصوصیات دارد که به جامعیت این مذهب و فوقیت او بالای سائر مذاهب دلالت میکند که آن اساسات قرار ذیل است:

**الف: استنباط عقلی:** مذهب حنفی از روز اول در تحلیل و تجزیه مسائل به استنباط عقلی ترکیز کرده است، زیرا که مجتهدین این مذهب

در فهم و درک درست شریعت به اهمیت و ارزش عقل عقیده دارند. از این جهت فقها و مجتهدین این مذهب در استنباط مسائل از نصوص از عقلانیت و فهم پوره کار گرفته اند که این خصوصیت فوقیت مذهب حنفی را ثابت میکند.

**ب: اعتماد و باور کردن به دلیل ظاهری:** مذهب حنفی به نصوص صریح کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم اعتماد و تکیه کرده است و فقهای این مذهب آن تأویلیکه به تحریف نص بنا باشد عمل مرفوض شمرده اند.

**ج: اهتمام کردن به مصالح:** فقها و مجتهدین مذهب حنفی به این عقیده اند که شریعت اسلام از برای تأمین مصالح عمومی و شخصی آمده است از این جهت به فقهای این مذهب مناسب است که در وقت استنباط احکام این مصالح عامه و خاصه را در نظر بگیرند. از همین جهت تعلیمات مذهب حنفی در هر وقت زمان و مکان قابل تطبیق است و مردم این مذهب را برای عمل کردن بهتر می شمارند که این بر جامعیت و فوقیت این مذهب دلالت میکند.

**د: نرمی و شمولیت در فتاوا:** مذهب حنفی این را می پندارد که فتاوی باید جامد و ثابت نباشد بلکه فتاوی باید طوری باشد که در هر زمان، مکان و ظروف قابل عمل باشد و تغییر را قبول کند.

**ه: تجدید و اصالت:** در تأسیس مذهب حنفی این در نظر گرفته شده است که فقه تنها تکرار احکام سابقه نباشد بلکه احکام فقهی تجدید و ابتکار را قبول کند به شرط اینکه این تجدید و ابتکار به بنیاد اصول فقهی استوار و به شریعت موافق باشد. مانند: بوجود آمدن قواعد فقهی برای اولین بار در مذهب حنفی، و تدوین فقه در زمان خلافت عثمانی و غیره...

#### **۹- کثرت و توسع مسائل و احکام در مذهب حنفی دلیل دیگری بر جامعیت و فوقیت این مذهب است:**

به گذشت زمانه و شرایط و به تغییر اماکن در مسائل و احکام فقهی مذهب حنفی هم توسع و زیادت به وجود آمده و مسئله ای وجود ندارد که در مذهب حنفی جواب نداشته باشد، مسائل مذهب حنفی به سه طریقه نوشته شده است که آنرا طبقات المسائل میگویند.

**طبقه اول:** مسائل الاصول است: که آنرا ظاهر الروایت هم گفته میشود. این آن مسائلی است که امام محمد رحمه الله در شش کتاب آنرا نوشته کرده مانند: المبسوط، زیادات، جامع صغیر، سیر صغیر، جامع کبیر و سیر کبیر.

**طبقه دوم:** مسائل النوادر است: این آن مسائلی است که در کتب شش گانه مذهب فوق نوشته نشده است بلکه در دیگر کتابها ذکر شده است مانند: لکه هارونیات، کیسانیات، جرجانیات و رقیات ویا اینکه در کتاب حسن ابن زیاد است.

**طبقه سوم:** مسائل الوقعات والنوازل: این آن مسائلی است که از امام مذهب حنفی روایت نشده اما بعداً مجتهدین در جواب سوال وواقعات آنرا ذکر کرده اند که از ایشان سوال شده وآن مسائل صراحتاً در کتب ظاهر الروایت موجود نبود، مجتهدین وقت در روشنائی اصول مذهب به آن مسائل جوابات را استنباط کردند. (رد المحتار).  
موجودیت هر نوع مسائل در مذهب برای مردم ومفتی ها مسائل را آسان کرده از این جهت مذهب حنفی یک مذهب جامع، شامل وبرتر است.

### **۱۰- کثرت پیروان مذهب حنفی در نقاط مختلف کشور های جهان به جامعیت وفوقیت این مذهب دلالت میکند:**

اینکه در جهان ( ۶۰٪ ) مردم پیروان مذهب حنفی اند وباقی چهل فیصد به مذاهب سه گانه تقسیم شده است.

از جهت زیادت مسائل مذهب امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله وكثرت شاگردان او که در شرق وغرب شمال وجنوب پراکنده شده اند ودر مناطق خود مدارسی جور کردند ومذهب را به مردم رساندند، این همه از این جهت صورت گرفت که در دنیا اکثر مردم مذهب حنفی را پذیرفتند وپیروی او را اختیار کردند، در سال (۱۷۰)هجری امام ابو یوسف در دوران خلافت عباسی ها قاضی القضاة تعیین شد وخلافت عباسی در جهان در هر جا حاکم بود وحکومت آنجا به مذهب حنفی فیصله میکرد وقتیکه دوران خلافت عثمانی آمد، خلیفه رسماً اعلان کردکه مذهب حنفی مذهب رسمی خلافت عثمانی میباشد.مذهب حنفی به وسیله عبدالله ابن فروخ واسد ابن فرات رحمهم الله وشاگردان ایشان به افریقای شمالی مانند:لیبیا، تونس، جزائر، والمغرب رسید ودر اندلس هم در مدت کم وقت داخل شد در زمان خلیفه مهدی مذهب حنفی در مصر پخش شد تا بسیار مدت امور قضائی واحوال شخصی را مطابق مذهب حنفی به پیش می بردند.  
درشام در اکثر کشورها مردم پیروان مذهب حنفی است ودر عراق هم مذهب حنفی پخش بود.

همچنان در ماوراء النهر بغیر از مذهب حنفی کسی دیگری مذهب را نمی شناخت و در ارمنیا، آذر بیجان وچین مردم پیروان مذهب حنفی بودن، درجنوب آسیا هند، بنگلادیش، پاکستان کنونی مردم پیروان مذهب حنفی اند. در ترکیا، البانیا، بوسنه و هرسک، کوسوف، ترکستان، افغانستان، قفقاز و برازیل هم مذهب حنفی پخش است. عقیده وباور بیشتر مردم به مذهب حنفی دلیل بزرگی برجامعیت وفوقیت مذهب حنفی است.